

بلاغت «آیرونی» و تحلیل ابتکارات جواهری در قصیده طنزآمیز «تَنْوِیْمَةُ الْجِیَاعِ»

رضا رضایی^۱، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سیستان و بلوچستان
فرشته دیبایی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۹

چکیده

آیرونی به عنوان یک صنعت ادبی و بلاغی از ابزار ایجاد تنش در متن است. این مقاله، با بررسی آیرونی و انواع آن به تحلیل قصیده، «تَنْوِیْمَةُ الْجِیَاعِ» جواهری که محتوایی طنزآمیز دارد، پرداخته است. شاعر در این قصیده، با بهره‌گیری از تلفیق متناقض و متضاد وضعیت موجود و آرمان و اندیشه متعهد خود، هنر آیرونی را به کار گرفته است و زیرکانه با ایجاد رابطه‌ای قوی و تأثیرگذار یعنی «اسلوب خطابی» خواننده را با متن اشعار خود درگیر کرده است. این پژوهش با روش توصیف و تحلیل متن در صدد است تا پاسخی، برای علت رویکرد جواهری به شیوه آیرونیک، شگردهای شاعر در زبان طنز، و هدف وی از بیان آیرونیک، بیابد. یافته‌های پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی نشان می‌دهد که جواهری در قصیده «تَنْوِیْمَةُ الْجِیَاعِ» به قصد طرح تضادها و نابسامانی‌های جامعه به شیوه آیرونی متوسل شده است تا مخاطب تفاوت وضعیت موجود را با حقیقت از لابه‌لای تضادها کشف کند. رویکرد ساختاری، تناسب وزن، توجه به موسیقی درونی و اسلوب خطابی، مبین انتخاب آگاهانه و لحن انتقادی شاعر است.

کلیدواژه‌ها: جواهری، طنز، آیرونی، تنویمه الجیاع

۱- مقدمه

وجود ادیبان دردشناس با روحیه حساس و مسئولیت‌پذیر را می‌توان موهبتی اجتماعی دانست. جواهری از شاعران طنزپرداز معاصرو مشهور عراق و از جمله مبارزان فعال سیاسی و اجتماعی است که توانسته به‌خوبی در برابر ستم اجتماعی زمان خود بایستد و همواره حامی مردم و در کنار آن‌ها باشد. صلابت سخن و قوت طبع او سبب شده تا او را به القابی چون ملک الشعراء (آل محبوبه، ۱۹۸۶: ۱۳۷-۱۳۶) و یا متنبی عصر جدید (بیضون، ۱۹۹۳: ۶۷) ستوده، و او را یکی از بزرگترین شاعرانی بدانند که توانسته وضعیت پرتلاطم عراق را از دهه بیست میلادی به خوبی به تصویر بکشد (الجیوسی، ۲۰۰۱: ۲۶۴).

جواهری به ادیب‌نگاهی خاص دارد، او می‌گوید: «من همیشه ادیب را پزشکی که ابزار جراحی در دست دارد و ژرف‌اندیش است، می‌شناسم که بیم و امید می‌دهد او برمی‌خیزد تا مردم زمانش برخیزند» (الخیاط، ۱۳۸۵: ۳۳).

زمانی طنز در اثر شاعر به ظهور می‌رسد که در اندیشه او بن‌مایه‌های تعهد و مسئولیت‌پذیری وجود داشته باشد. هدف طنزپرداز کشف و بیان هنرمندانه عدم تناسبی است که در بطن جامعه وجود دارد. وقتی از طنز و مطایبه سخن می‌گویم مقصودمان «نوعی بینش است، نگاهی که در آن جمع دو نقیض و ضد آن امکان‌پذیر است. در اینجا در واقع باضد واقعیت می‌توان به حقیقت رسید» (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۲-۱۳).

آیرونی از ابزارهای استفاده در طنز است. طنز بر پایه یک تضاد شکل می‌گیرد. بین آنچه هست و آنچه باید باشد، بین واقعیت موجود و حقیقت، که این تضاد و تناقض در نتیجه عمل ادیب منجر به ایجاد تصاویری می‌گردد که به آیرونی منتهی می‌شود.

قصیده «تنویمه الجیاع» جواهری قصیده‌ای معروف و متضمن معانی آشکار و پنهان متعددی است که بافت هنرمندانه و آیرونیک آن مبین عمق تعهد اجتماعی شاعر است.

۱-۱- پیشینه تحقیق

در مورد آیرونی و طنز کتاب‌ها و مقالاتی چاپ شده است که از مهم‌ترین مقالات می‌توان به: ۱- آیرونی در مقالات شمس از غلامحسین غلامحسین‌زاده و زهرا لریستانی

که در مجله مطالعات عرفانی شماره ۹ بهار و تابستان سال ۱۳۸۸ ش. چاپ شده است. نوع سخن گفتن شمس به گونه‌ای است که موجب می‌شود به طور طبیعی ساختارهای عادی زبان شکسته شود و نوعی پوشیده‌گویی و رند معنایی (کلام آبرونیک) در سخن او پدید آید. ۲- مقایسه و تحلیل کنایه و آبرونی در ادبیات فارسی و انگلیسی که در مجله کاوشنامه دانشگاه یزد توسط حسین آقا حسینی وزهرا آقا زینالی، سال نهم شماره هفدهم در سال ۱۳۸۷ ش. به چاپ رسیده است. این مقاله به توصیف و تحلیل ابعاد کنایه در ادب فارسی و انگلیسی با ذکر شواهد پرداخته است. ۳- مقاله «بلاغت اسلوب تکرار در مضامین طنز محمد مهدی جواهری و تحلیل معانی ثانویه» از رضا رضایی در مجله زبان و ادب عربی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره دوازدهم بهار و تابستان ۱۳۹۴. در این مقاله از تکرار به عنوان یک عنصر بلاغی و شگرد زبانی یاد شده است که باعث برجسته سازی معنا و ایجاد موسیقی شده است. و اما در مقاله حاضر تأکید بر تحلیل قصیده «تنویمه الجیاع» و استخراج و استنباط مباحث آبرونی و بیان نظرات اصلاحی جواهری از متن ابیات قصیده است.

۱-۲- سوالات تحقیق

۱. دلیل رویکرد شاعر به شیوه آبرونیک چیست؟
۲. شگردهای جواهری در زبان طنز چیست و چگونه آبرونی به عنوان ابزار طنز وی قرار گرفته است؟
۳. جواهری از بیان آبرونی و طنز در تنویمه الجیاع چه هدفی را دنبال می‌کند؟
۴. میزان موفقیت شاعر در کلام آبرونیک چه اندازه است؟

۲- بحث

ساختار قصیده و مولفه‌های زبانی و بیانی قصیده «تنویمه الجیاع» جواهری با عنایت به صنعت آبرونی مورد تحلیل قرار گرفته است. برای دستیابی به مقصود، ابتدا به تعریف آبرونی، روند تکامل آن، رابطه طنز با آبرونی و سپس به نگرش آبرونیک و تحلیل ابعاد و لایه‌های زبان طنزآمیز جواهری در قصیده پرداخته شده است.

الف) تعریف آیرونی: «آیرونی یک صنعت ادبی شایع در ادبیات غرب است که در انگلیسی "Irony" (و در فرانسه «Ironic» خوانده می‌شود و در زبان فارسی یافتن معادلی دقیق برای آیرونی که شامل تمام معانی آن باشد مشکل است» (جوادی، ۱۳۸۲: ۱۷-۱۸). معاصران ادبیات ما کوشیده‌اند که آن را با کلماتی نظیر طنز، طعنه، کنایه، کنایه طنزآمیز، تجاهل عارف، وارونه‌گویی و... ترجمه کنند اما با وجود شباهت‌های که بین این معادل با آیرونی است، آیرونی جامع‌تر از آن‌ها است. این تعبیر فقط بخشی از آیرونی را در برمی‌گیرند. «آیرونی در اغلب موارد به معنای کتمان یا در لفافه نگه‌داشتن موضوع یا نکته اصلی به‌کار رفته شده است؛ اما نه به‌منظور فریب، بلکه برای دست یافتن به تأثیرات بلاغی یا هنری» (ایبرمز، ۲۰۹: ۱۳۸۷). «آیرونی شیوه‌ای است که نویسنده با توسل به آن معنای خلاف نوشته‌اش را اراده می‌کند و معنای موردنظر او با معنای ظاهری تفاوت دارد» (رضایی، ۱۳۸۳: ۱۶۶) در فرهنگنامه ادب فارسی در تعریف آیرونی آمده: «در اصطلاح شگردی است که نویسنده با توجه به بافت متن، به کلام یا واقعه‌ای ظاهراً صریح، معنای متفاوت می‌بخشد که در آن دریافتی کاملاً مطایبه آمیز از ناهمخوانی وجود دارد» (انوشه، ۱۳۸۱: ۱۵).

با توجه به تعریف‌های ارائه‌شده در می‌یابیم که نقطه مشترک در همه این تعریف‌ها وارونه‌گویی است و بیان یک معنا و اراده معنایی دیگر. ویژگی اصلی کلام آیرونیک ایجاد ناهمخوانی در بافت متن است که نتیجه آن منتهی و منجر به وارونه گردانی سخن و تعریض آمیز بودن آن می‌شود.

خاستگاه آیرونی، اندیشه انسان است، اندیشه‌ای که از ذکاوت و نبوغی خاص برخوردار است و تعهد و التزام به اصلاح و تهذیب جامعه هم آن را همراهی می‌کند اما با مهارت و شگردی خاص، که هدفش به تردید افکندن مخاطب اثر ادبی است. آیرونی به‌عنوان یک ابزار میان متنی به حساب می‌آید که مغایرت و تضاد را ایجاد می‌کند و طنزپرداز با توجه به هدف و آرمانی که در ذهن دارد از گونه‌های متفاوت آن استفاده می‌کند.

ب) ایرونی: سابقه تاریخی و تنوع رویکردها: این کلمه در ادبیات غرب مأخوذ از نام شخصی قراردادی به اسم «آیرون» است که در کمدی یونانی به کار رفته است. نقش «آیرون» در این کمدی مقابل نقش «آلازون» لافزن بود. «آیرون کوچک اندام و ضعیف بنیه بود اما باهوش که ظاهراً خود را به نادانی می‌زده و با بذله‌پردازی و کاردانی بر شخصیت لافزن قلدر غلبه می‌کند» (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۶۶). گفته شده که «آیرون برای اولین بار در جمهوریت افلاطون توسط یکی از دشمنان سقراط در حق روش مباحثه‌ای او به کار برده شده است که او خود را به تجاهل می‌زد و با روش بحث و جدل در نهایت بر حریف پیروز می‌شد» (جوادی، ۱۳۸۲: ۱۸). سابقه کاربرد اصطلاح ایرونی به سال ۱۵۰۲م در ادبیات غرب برمی‌گردد» (داد، ۱۳۷۱: ۲۰۵) «آیرونی‌انواع آن از قرن هجدهم به بعد در ادبیات اروپا معنای گسترده‌ای یافت» (جوادی، ۱۳۸۳: ۱۸). بر اساس آنچه گفته شد ریشه این کلمه به زمان سقراط و یونان باستان برمی‌گردد.

ایرونی به لحاظ گستردگی معنا، چون منشوری چند وجهی است که امکان دارد هرکس به تناسب برداشت خود آن را از یک یا دو جنبه تعریف کند. به این دلیل عدم ارائه تعریفی جامع و کامل برای آن مستلزم شناخت اقسام ایرونی است. «موکه» می‌گوید: «طبقه‌بندی ایرونی و فهرست کردن تکنیک‌های ایرونی نخواهد توانست سریعاً به هر نقطه از ایرونی برچسبی بزند اما می‌تواند بگوید ایرونی ممکن است از چنین فرم‌هایی گرفته شود» (غلامحسین‌زاده، لرستانی، ۱۳۸۸: ۷۲). برخی دلیل اقبال به ایرونی را ترس و برخی آن را ناشی از درک بیهودگی و پوچی زندگی و برخی ناشی از نوعی تضاد در مقصود گوینده می‌دانند (آقا حسینی، حسین، آقازینالی، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۱۰۴).

با توجه به تعریف‌های مختلف از ایرونی، می‌توان ایرونی کلامی، بلاغی، ساختاری و موقعیت را به عنوان اقسامی از ایرونی ذکر کرد که در بحث‌های بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

۳- تعهد اجتماعی در نگرش آبرونیکوزبان طنزآمیز جواهری

شعر یکی از مؤثرترین عوامل در بیدارسازی ملت‌ها است. ابزاری که با آن می‌توان روح قهرمانانه و اندیشه‌های رهایی‌بخش و وطن‌پرستانه را در ملت‌های خواب‌آلود و غافل بیدار کرد و این مستلزم آن است که ادیب درد جامعه را بشناسد، نابسامانی‌ها را درک کند و به مدد تعهد و ذوق سرشار خویش، به اصلاح امور اجتماعی بپردازد. ابزاری که چنین ادیب متعهدی برای ابلاغ پیام خویش انتخاب می‌کند، می‌تواند به فراخور حال مخاطب و اوضاع سیاسی حاکم متنوع و متفاوت باشد. گاهی صراحت بیان و زمانی کنایه و ابهام، گاه قصه و داستان و زمانی نقد در قالب طنز می‌تواند وسیله پیام‌رسانش باشد. "هنرطنز علاوه بر استعداد شاعری و خوش فهمی و هوشیاری، ظرافت طبع می‌خواهد و نتیجه این ظرافت طبع را می‌توان از تأثیر اشعار طنزآمیز دریافت که در عین سادگی انبساط خاطر خواننده را فراهم می‌سازد و در همان حال موضوعی را هم بر خواننده روشن می‌کند" (رزمجو، ۱۳۷۰: ۸۹).

از آنجاکه هر اثر، بازتابی از اندیشه و شخصیت نویسنده آن اثر است، اشعار جواهری با ماهیت طنز می‌تواند به‌عنوان محصول اندیشه و جهان بینی شاعر و بازگوکننده حالات روحی و روانی او قلمداد گردد. می‌دانیم که جواهری پرورش‌یافته محیط دینی و ادبی نجف اشرف و خانواده‌ای اصیل است که نه‌تنها در برابر ملت عراق بلکه در قبال تمام جهان عرب تعهد و التزام دارد. جواهری به‌عنوان یک ناقد اجتماعی به‌خوبی مشکلات و گرفتاری‌هایی از قبیل بی‌عدالتی، فقر، اختلاف طبقاتی، نبود آزادی سیاسی و عدم استقلال و زورگویی‌های متجاوزان را به‌دقت می‌دید و نسبت به آنچه بر این ملت مظلوم می‌گذشت حساس بود و به‌موقع عکس‌العمل نشان می‌داد، چنان که می‌گوید:

بَكَيْتُ وَمَا عَلَيَّ نَفْسٍ وَلَكِنْ عَلَيَّ وَطَنٍ مُّضَامٍ مُّسْتَهَانٍ
عَلَيَّ وَطَنٍ عَجِيفٍ لَيْسَ يَقْوَى عَلَيَّ نُوبٍ مُّسَلْسَلَةٍ سَمَانٍ

(الجواهری، ۲۰۰۸: ۱۸۱)

-گریستم ولی، نه برکسی، بلکه بر وطن ستم دیده و خوار شده‌ای. بر وطنی ناتوان و ضعیف که قدرت بلاهای عظیم و پی‌درپی را ندارد.

جواهری حقایق جامعه را درک کرده بود و دردی که اجتماع از آن رنج می‌برد به عیان می‌دید و در برابر این واقعیت تلخ و گزنده خاموش نمی‌نشست و چون یک مصلح زبان به نقد مسائل و مشکلات می‌گشود. شاعر می‌بیند که در جامعه میان آنچه هست و آنچه باید باشد چه قدر فاصله است، و این فاصله در تمام جوانب جامعه فراوان است و دیدن این تناقض‌ها و تضادها حس مسئولیت اجتماعی را در او پویا نمود و او را به قیام علیه آنچه ظلم و محرومیت است وادار کرد. معالجه این وضعیت منجر به اندیشه ایرونیکی در ذهن شاعر و سپس انعکاس آن در شعر وی شد.

۴- انواع آیرونی در «تنویمه الجیاع»

جواهری با آیرونی، بهترین زمینه را جهت طرح تضادها و نابسامانی‌های جامعه، در شعر خود مهیا کرده است تا با آن حماسه بیداری و غفلت‌زدایی را بیافریند. برخی از مهمترین انواع آیرونی، در قصیده تجلی ویژه‌ای دارد. برای دریافت ره‌آورد معنا و مضمون ابتدا برخی از بارزترین انواع آیرونی، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا فضایی که شاعر برای انتقال پیام در شعر ایجاد کرده به بهترین شکل ممکن نمایانده شود و پس از آن ساختار و محتوای آیرونیک قصیده مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا ارزش موضوع و هنرمندی شاعر مشخص گردد.

الف- آیرونی در سطح واژگان (کلامی) (Verbal irony): «ساده‌ترین و متداول‌ترین نوع آیرونی، آیرونی کلامی است. در این روش، دیدگاه نویسنده برعکس دیدگاه ظاهر نوشته شده است» (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۶۷). این آیرونی، در سطح واژگان اتفاق می‌افتد و مؤلف اثر ادبی در این قسم از آیرونی تلاش دارد بر اساس مغایرت و مخالفت یعنی آنچه بر زبان جاری می‌شود و آنچه منظور حقیقی گوینده است تنش ایجاد کند. این شیوه، یک شگرد لفظی بلاغی است، که نویسنده آن را آگاهانه به کار می‌گیرد.

نامی	فَإِنْ	لَمْ	تَشْبِعِي	مِنْ	يَقْظَةٍ	فَمِنْ	الْمَنَامِ
و	النَّوْمِ	أَدْعَى	لِلنَّوْمِ	لِ	عَلَى	السَّكِينَةِ	و النَّظَامِ
نامی	فَقَدْ	غَنَى	"إِلَهُ"	الْحَرْبِ	"أَلْحَانَ	السَّلَامِ	
یا	حُرَّةً	لَمْ	تَدْرِ	مَا	مَعْنَى	إِضْطِعَانٍ	وَ انتِقَامِ
یا	شُعْلَةَ	النُّورِ	الَّتِي	تُعْشِي	الْعَيُونَ	بِلا	إِضْطِرَامِ!
بُورَكَتْ	مِنْ	«شَفَعِ»	فَإِنْ	نَزَلَ	الْبَلَاءُ	فَمِنْ	«تُوَامِ»

(الجواهری، ۲۰۰۸: ۶۱۳)

-بخواهید که اگر در بیداری سیر نشده‌اید باشد که در خواب سیر شوید. خوابیدن بهترین عامل دست‌یابی به آرامش و نظم خواهد بود. بخواهید که خداوند جنگ، آواز صلح سر داده است. بخواه ای آزاده‌ای که معنای کینه و انتقام را نمی‌دانی. ای شعله نوری که چشم‌ها را بدون هیچ روشنایی کور می‌کند. مبارکت باد این «جفت شدن» (با خواب)، بلاها اگر فرود آید با همدمی با خواب برمی‌خیزد.

در این ابیات، شاهد تنش‌هایی هستیم که شاعر از طریق جمع بین امور متضاد در شعر به وجود آورده است. دعوت به خواب در عین گرسنگی، جمع بین جنگ و صلح، جنگی که آواز صلح سر داده، و نوری که مایه هدایت و روشنی است اما کورکننده تلقی گشته و طنزآمیزتر آن که خو گرفتن به خواب را، مایه تبریک به به مخاطب دانسته است.

در این بند از قصیده شاعر با شیوه‌ای سهل و ممتنع و با مهارت خاص الفاظ متضاد را به شکلی غیر محسوس به‌گونه‌ای به تصویر کشیده که ظرافت‌های پنهان کلامی جز با دقت و تعمق و جز با برقراری پیوندهای تلازم بین اجزای کلام دریافت نمی‌شود. گرسنگی و سیری، هدایت و ظلمت، خواب و بیداری، جنگ و صلح، خشونت و لطف، نور و تاریکی، آزادگی و بندگی، تضادهای نهفته و آشکاری است که در این بند به‌ظاهر ساده قصیده، متراکم و فشرده است و شاعر این‌گونه از طریق تضاد و تناقض در بین واژه‌ها به آیرونی مطلوب کلامی دست‌زده است.

نکته قابل ملاحظه دیگر که هنرمندی شاعر را در جهت رسیدن به هدف نشان می‌دهد این است که وی از بین دو امر متضاد؛ که یکی سلب است و دیگری ایجاب، یکی خطا است و دیگری صواب، یکی مطبوع است و دیگری متکلف، یکی مطلوب است و دیگری منفور، مخاطب را تشویق می‌کند تا سلب را بر ایجاب و خطا را بر صواب، و مطلوب را بر منفور ترجیح دهد. بدین طریق می‌خواهد مخاطب را به تفکر وادارد و بر او تلنگری زده تا فرق بین وهم و واقعیت را دریابد و خود را از ورطه غفلت و ناآگاهی برهاند و به سوی آنچه مطلوب حقیقی است رهنمون شود.

ب- آیرونی بلاغی (Rhetorical irony): «در این آیرونی نظر و لحن گوینده دقیقاً عکس آن چیزی است، که به زبان می‌آورد. ادیب با لحنی به ظاهر جدی امر به کاری می‌کند و کاملاً واضح است که آنچه می‌گوید خلاف رأی و نظر حقیقی اوست» (داد، ۱۳۸۳: ۹). شاعر با کمک تنش حاصل از کاربرد صنایع ادبی، به آیرونی بلاغی متناسب با موضوع و محتوا دست می‌زند. این مطلب در پاره زیر از قصیده مشهود است:

نامی	فَإِنَّ	صَلَاحَ	امرٍ	فاسِدٍ	فِي	أَنْ	تَنامِي
العروَةُ	الوَثْقَى	إِذَا	اس	تَيْقَطِ	تُؤَدُّنُ		بَانصْرَامِ
نامی	و	إِلَّا	فَالصُّفُوفُ	تَوُولُ	مَنْكِ	إِلَى	انْقِسامِ
نامی		فَنَوْمِكِ	فَتَنَةُ	إِيقَاظُهَا	شَرُّ		الْأَثَامِ
هل	غَيْرُ	ان	تَيْقِظِي	فَتُعَاوِدِي	كَرَّ		الْخِصَامِ
نامی	فَإِنَّ	الوَحْدَةَ	ال	عِصْمَاءَ	تَطْلُبُ	أَنْ	تَنامِي
نامی	جِياعِ	الشَّعْبِ	نامِي	النَّوْمِ	مِنْ	نَعَمِ	السَّلَامِ
تَتَوَخَّدُ	الأَحْزَابُ	فِيهِ		و	يُتَّقِي	حَطْرُ	الصِّدَامِ
تَهدَا	الْجَمُوعُ	بِهِ	و	تَغْنِي	الصُّفُوفُ	عَنْ	انْقِسامِ
أَنَّ	الْحَمَاقَةَ	أَنْ	تَشُقِّي	بِالنُّهُوضِ	عَصَا		الْوَنَامِ

-بخواهید که اصلاح امور نابسامان در این است که بخواهید. بخواهید که اگر بیدار شوید، این دستاویز محکم خواب از بین می‌رود. بخواهید وگرنه صف‌های وحدتی که با خواب به وجود آمده با بیدار شدن، پراکنده و متفرق می‌شود. بخواهید، خواب شما آزمایش و فتنه است، اگر بیدار شوید، از بدترین گناهان است. مگر نه این است که اگر بیدار شوید، آهنگ جنگ دشمن می‌کنید. بخواهید که وحدت و یکپارچگی از شما می‌خواهد که بخواهید. بخواهید ای گرسنه مردمان بخواهید، خواب بهترین سلامتی و عافیت است و با این خواب احزاب و گروه‌ها متحد، و از خطر متفرق شدن در امان هستند. حماقت است که با قیام وحدت و همبستگی را به هم بزنید.

در تصویر بازگونه‌ای که شاعر از خواب ارائه داده، آن را عروة الوثقی، محور اصلاح امور نابسامان و مایه وحدت دانسته و اعلام کرده است که نباید به این مایه اتحاد خدشه‌ای وارد شود و اقدام برای زوال آن گناه بزرگی است. بیداری نتیجه‌اش تکرار خصومت‌ها و از سرگیری مجادلات است. آنچه شاعر می‌گوید کاملاً خلاف رأی و نظر حقیقی اوست. به سامان شدن امور به بیداری، هوشیاری، حرکت، و اقدام به موقع نیاز دارد.

شاعر در این ابیات با اطاله کلام در دعوت به خواب، درواقع با زبان آیرونی بیان می‌کند که غفلت، بسیار فراگیر است و قیام و نهضت، به بندحماقت گرفتار گشته است. پس باید بیدارگشته و راه هوشیاری در پیش گیرند هرچندکه دیر شده است.

ج- آیرونی ساختاری (Structural irony): جواهری ضمن استفاده گهگاه و موضعی از آیرونی کلامی، در کل اثر نیز آیرونی ساختاری را به طریقی هوشمندانه ایجاد کرده است. «در آیرونی ساختاری نویسنده به جای استفاده گاه‌به‌گاه از آیرونی کلامی، یک مؤلفه‌ی ساختاری را در اثر می‌گنجانند که در جهت دو پهلوئی معنا و ارزش‌گذاری در اثر، جریان می‌یابد (داد، ۱۳۸۳: ۱۰) این آیرونی بر ساختمان قصیده‌اش سایه انداخته است و گاه این روح حاکم معنایی به قدری شفاف می‌گردد که حتی از لابه لای برخی ابیات آن به وضوح قابل استنباط است:

أعطيا لقيادة للقاء	وحككهم في الزمام
واستسلمي للحادثات	المشقات على النيام
إنَّ التَّيْقُظَ - لَوَ عِلْمَتِ -	طليعة الموت الزوام
والوعى سيقببلى	يومالتقارعبانثلام

(همان: ۶۱۳)

رهبری امور را به قضا و قدر بسپار و آن را بر سرنوشت خویش حاکم ساز. خود را تسلیم حادثه‌هایی ساز که بر آدم‌هایی که خوابند مهربان و دلسوزند. کاش می‌دانستید بیداری پیشاهنگ مرگ ناگهانی است و هوشیاری، مانند شمشیری است که در روز جنگ دچار کند شدن می‌شود.

این ابیات تفسیری از تصویر آبرونی ساختاری جاری بر کل قصیده ارائه می‌دهد. ظاهر کلام، مردم را به تسلیم شدن در برابر قضا و قدر فرامی‌خواند. تسلیم شدنی که هدف اصلی حاکمان زورگو و خودکامه است تا مردم هر آنچه برایشان پیش می‌آید بپذیرند و آن را مشیت الهی قلمداد کنند و اعتراضی هم نداشته باشند. شاعر در ادامه دعوت به خواب می‌کند و بیداری را ملت را آغاز مرگ می‌داند و برای اثبات ادعا، تعلیلی زیبا در قالب تشبیه بیان می‌کند که هوشیاری چون شمشیری است که اگر از آن استفاده شود کند خواهد شد. در این ابیات، زبان طنز به زبانی گزنده و نیش‌دار مبدل شده تا اثر آن قوی‌تر باشد.

۴- مولفه‌های ساختاری و محتوای زبانی آبرونیک (تنویمه الجیاع)

شکل شعر حاصل پیوند اندام‌وار بین جزء و کل است. بخش‌ها و عناصر مختلف هر شعر به مقتضای محتوا و مضمون شعر پدید می‌آید و با آن تناسب دارد. صورت و معنا در شعر چنان با یکدیگر در می‌آمیزند و چنان متقابلاً بر هم تأثیر می‌گذارند که گاه نمی‌توان این عناصر را از هم متمایز کرد. شکل و محتوا، د و روی یک سکه‌اند، که عدم توجه به یکی دیگری را از ارزش ساقط می‌کند. مواجهه باشکل بیرونی شعر، یعنی صورت و ساختار (نحوه چیدمان واژه‌ها بر روی صفحه کاغذ)، نخستین گام در تحلیل

و شکل درونی محتوای شعر است. در مولفه‌های ساختاری، به دنبال یافتن تنش‌ها و تضادهایی هستیم، که به خلق آیرونی منجر شده است.

۴-۱- تنش در ساختار شکلی

الف/ شعر «تنویم‌الجیاع» از نه بند تشکیل شده است، که اطاله و اطناب یعنی، نه قسمتی بودن آن، با محتوای طنز گونه‌اش که شاعر در پس آن آرمان و هدفی متعالی قرار داده، تناسب دارد. هر بند آن، از نظر شکل ظاهری و میزان ابیات باهم اختلاف دارند که تنش حاصل از اختلاف بندها در تطویل و اختصار، خود یک تضاد و آیرونی را ایجاد می‌کند و شاعر با توسل به آن در جهت جان بخشیدن به موضوع اصلی گام برداشته است.

ب/ از نظر وزن شعری و نوع قافیه و اختیار الفاظ، شاعر از بحر کامل استفاده کرده است که بحری فخیم، آهنگین، حماسی و متناسب با موضوع قصیده است. از طرف دیگر قافیه میم و موسیقی درونی قصیده فضا را برای نوعی "لالایی گفتن" مهیا می‌کند که گویی دعوت شاعر به خواب یک دعوت حقیقی است، درحالی‌که هرگز آرمان و هدف شاعر با آنچه در شعر بیان می‌شود، همخوانی ندارد بلکه درست با تکرار عبارت «نامی» هدف «یقظه» و دعوت به بیداری را تداعی می‌کند. انتخاب فعل امر "نامی"، که مدام تکرار شده این نیست تا موسیقی ملایمی را تجسم بخشد بلکه شاعر از موضوعی کلی‌تر مثل تسلیم شرایط بودن، ناامیدی و فساد در زندگی اجتماعی سخن می‌گوید. در این شعر به ظاهر ساده، می‌بینیم که ساختار منسجم و کلی آن از نظر بافت عروضی، ریتم و آهنگ، الفاظ و قافیه، کلمه قافیه و تکرار الفاظ، که همه به سهولت و سادگی آن اذعان دارند، چگونه توانسته درون‌مایه‌های عظیمی را به تصویر بکشد.

ج/ تکرار لفظ و عبارت، جواهری در این قصیده با کمک تکرار، بعدی فنی و عمیق، ایجاد کرده است. این تکرار مدار اصلی قصیده را تشکیل می‌دهد. وی با تکرار پنجاه و شش بار فعل «نامی» نغمه و آهنگ دل‌نشینی را به وجود آورده تا دروای آن مجالی برای ابلاغ هدفش بیابد.

۴-۲- تصاویر تنش زا از نظر مضمون

دعوت به مفاهیمی چون دعوت توده گرسنه به خواب، پرهیز از نور، تسلیم حوادث بودن و آوردن تصاویری متضاد و متناقض که در تنشی دائمی با یکدیگرند، در سرتاسر قصیده قابل ملاحظه است. این هارمونی ادعایی، جمع اضداد و پارادوکس معنایی است که شاعر بر شرایط نامطلوب و بر هم زننده آرامش، لباس الگوها و مدل‌های آرامش‌بخش و فرح‌بخش را پوشانده است.

به‌عنوان مثال روشنی نمادی از مثبت بودن اوضاع و تاریکی نمادی از مسائل آزاردهنده است. شاعر به‌صورتی زیرکانه جای این دو مقوله را عوض کرده و تاریکی را نماد بی‌گزندی و صیانت، و خورشید را که مظهر حیات و نماد تلاش و پویاست، آزاردهنده نشان داده است. عدم تناسب تصویر پردازش شده با واقعیت امر، خواننده را متوجه ارونگویی مطلب و آیرونی آن می‌کند تا با تنش ایجاد شده، تفکر غفلت‌زدایی قوت بخشیده شود. شاعر به کمک آیرونی و ارونگویی موجود در شعر با مهارتی خاص به واقعیتی عینی دست یافته که توانسته به نحوی مؤثر، واکنش عاطفی مخاطب را بی‌هیچ صراحت بیانی برانگیزد و ذهن او را دریافتن راه‌حل نهایی یعنی "بیداری واقعی" برای رهایی از وضعیت موجود، به تفکر و اندیشه وادارد. این تصویرپردازی، ابتکار هنرمندانه و پرداخت ماهرانه شاعر را تجلی بیشتری می‌بخشد. او با توالی این تصاویر درصدد تعمیق غرض و آگاهی بخشی متعهدانه خویش است و برای ایفای مقصود تلاشی مستمر و پیگیر دارد.

۵- نتایج

ملاحظه شرایط اجتماعی از یک‌سو و میزان تعامل و تقابل مخاطب نکته‌ای است که در مرکز توجه جواهری در قصیده تنویمه الجیاع قرار دارد. شاعر با در نظر گرفتن این رابطه، فضای کلی حاکم بر قصیده را ترسیم کرده است. شعر و اندیشه جواهری در این قصیده حرکتی بی‌چون وچرا به سوی بیداری، آزادی خواهی و غفلت‌زدایی است. شیوه جواهری در بیان آیرونیک مبتنی است بر:

- الف: شاعر از شگردهای زبانی جهت دست یافتن به تاثیر بلاغی یا هنری استفاده کرده است.
- ب: ناهمخوانی در بافت متن به کلام شاعر، قابلیت تعریض و وارونه‌گویی بخشیده است.
- ج: او با توالی تصاویر و اطاله قصیده، درصدد تعمیق غرض و آگاهی بخشی متعهدانه خویش است و برای ایفای مقصود تلاشی مستمر و پیگیر دارد.
- د: تنش حاصل از اختلاف بندها در تطویل و اختصار، با ایجاد تضاد و آیرونی به جان بخشی موضوع اصلی کمک مؤثری نموده است.
- ه: غلبه تکرار یک فعل خاص، اطاله قصیده، وگزینش زبان طنز، بیان معکوس و پیوندهای مبتنی بر علاقه تضاد و تقابل، مبین فاصله زیاد شاعر تا هدف معهود است.
- ه- ذکر قصیده در منابع ادبی و منابع تاریخ ادب معاصر مبین پویایی مضمون، مانایی مفهوم و قوت و احاطه شاعر بر موضوع و احوال جامعه است.

منابع و مأخذ

- آقا حسینی، حسین، زهرا آقازینالی (۱۳۸۷ش)، مقایسه و تحلیل کنایه و آیرونی (Irony) در ادبیات فارسی و انگلیسی، کاوش نامه یزد سال نهم، شماره هفدهم.
- آل محبوبه، الشیخ جعفر، ماضی النجف وحاضرها (۱۹۸۶م)، الطبعة الثانية، بیروت، دار الأضواء.
- انوشه، حسن، فرهنگنامه ادب فارسی (۱۳۸۱ش)، چاپ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ایبرمز، ام، اچ جفری گالت هفرم، فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی انگلیسی-فارسی (۱۳۸۷ش)، سعید سبزیان، تهران، راهنما.
- اخوت، احمد، نشانه شناسی مطایبه (۱۳۷۱ش)، چاپ اول، اصفهان.
- بیضون، حیدر توفیق، محمد مهدی الجواهری شاعر العراق الأكبر (۱۹۹۳م)، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- جوادی، حسن، تاریخ طنز در ادبیات فارسی (۱۳۸۲ش)، تهران، کاروان.
- الجواهری، محمد مهدی، دیوان الأعمال الشعرية الكاملة (۲۰۰۸م)، الطبعة الثانية، بغداد، دارالحرية للطباعة و النشر.

بلاغت «آیرونی» و تحلیل ابتکارات جواهری در قصیده طنزآمیز «تَنْوِيمَةُ الْجِياعِ» ۱۰۳

-الجیوسی، سلمی الخضراء، الإتجاهات والحركات في الشعر الحديث (۲۰۰۱م)، ترجمه عبدالواحد لؤلؤة، الطبعة الأولى، بیروت، مرکز دراسات الوحدة العربية.
-الخیاط، جلال، وهمکاران، تاریخ الأدب العربی الحديث (۱۳۸۵ش)، ترجمه محمود فضیلت، کرمانشاه، انتشارات دانشگاه رازی.

-داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی (۱۳۷۸ش)، چاپ چهارم، تهران، مروارید.
-رزمجو، حسین، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی (۱۳۷۰ش)، مشهد، آستان قدس رضوی.
-رضایی، عربعلی، واژگان توصیفی ادبیات انگلیسی-فارسی (۱۳۸۲ش)، فرهنگ معاصر.
-غلامحسین زاده، زهرا لرستانی، آیرونی در مقالات شمس (۱۳۸۸ش)، مطالعات عرفانی، شماره نهم.

التعبير التهكمي و بلاغته في قصيدة «تنويمه الجيع» للجواهري و تحليل ابداعاته الفنية فيها

رضا رضايي^١

فرشته ديبايي^٢

الملخص

الادب الساخر او السخرية أوما قد يسمى بالانكليزية «أيروني» هو نوع من التعبير الادبي التهكمي الذي يرمي به الاديب معنى مغايراً مقابل ما يصدق عليه ظاهر العبارات، ناوياً غاياتٍ سياسية او اجتماعية. الشاعر العراقي المعاصر محمد مهدي الجواهري بما أنه شاعر مناضل ملتزم بتوعية جماهير شعبه وواقف بمدى تحلّفهم الثقافي والسياسي، يلجأ في قصيدته هذه بمنهج بنيويّ مستغلاً سياق النصّ وصوره الالفاظ الايقاعية المتلاحمة ليبيّن رؤيته النقدية الاصلاحية ومعانيه المقصودة المكتوبة بشكل غير مباشر. فهذا البحث يتناول الموضوع بمنهج تحليل القصيدة البنيويّ والتعبيريّ، لتبيين دوافع الشاعر المنشودة لإتخاذ الظاهرة التهكمية بمختلف مستوياتها أسلوباً لمعالجة القضايا. فالملاحظ من البحث أن الظروف السياسية السائدة وغفلة المجتمع البالغة عن الإهتمام بمصيرهم السياسي جعل الجواهري أن يسلط الضوء بمنهجه هذا والمتصف بإيجاد الإشكالية في سياق النص وبامكانياته التعبيرية الإيحائية على ما نواه من إثارة روح اليقظة وتنوير الأراء والإنذار على معرفة مواضع الخلل لأن يرفضوا الدّل ويقوموا بما ينبغي لشعبهم العريق ثقافة وحضارةً.

الكلمات الرئيسية: الجواهري السخرية، التعبير التهكمي، تنويمه الجيع

١- استاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة سيستان و بلوشستان

٢- خريجة ماجستير في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة سيستان و بلوشستان